

موضوع ۶:

صمیمیت با خدا: انضباط در مطالعه کلام او

مرور کلی موضوع

دنیای ما همانند نهری روان به سرعت در جریان است. همه ما به راحتی در مشکلات و انحرافات آن به تله می‌افتیم. در بطن تمامی اینها، کلام خدا است که زندگی ما را محکم و استوار نگه می‌دارد، بطوری که افرادی خدادوست و صادق باشیم. کلام خدا در عین حال به عنوان مهمترین شکل ارتباطی خدا با فرزندان خود عمل می‌کند و مطمئن‌ترین وسیله‌ای است که می‌توان با آن با خدا در رابطه‌ای نزدیک و صمیمی قرار داشت.

در این موضوع، ما:

- اهمیت کلام خدا را در زندگی خود مطالعه خواهیم کرد.
- فنونی را خواهیم دید که مطالعه کلام خدا را برای ما بیشتر پربار خواهد نمود.
- ترتیبات را در زندگی خود طوری قرار خواهیم داد که نسبت به خواندن کلام خدا بیشتر وفاداری داشته باشیم.

مرور کلی موضوع

«این کتاب تورات از دهان تو دور نشود، بلکه روز و شب در آن تفکر کن تا بر حسب هر آنچه در آن مکتوب است متوجه شده، عمل نمایی زیرا همچین راه خود را فیروز خواهی ساخت، و همچین کامیاب خواهی شد.»

یوشع ۱: ۸

کتابمقدس را چگونه توصیف می‌کنید؟ مردم صحت و اقتدار کتابمقدس را به طرق مختلف توصیف می‌کنند. هر کدام از آنها را شما چگونه دسته‌بندی می‌کنید؟ در رشد روحانی ما نقش کتابمقدس چیست؟ به شکل عملی چگونه می‌توانیم مجذوب کلام شویم؟ چگونه می‌توانیم مطالعه کتابمقدس را در زندگی خود به عادت تبدیل کنیم؟ به کتابی کهن چون کتابمقدس چگونه باید نزدیک شد؟

کوپک ولی مقوی

(بیاناتی هستند که شما را در رابطه با مطلب به فکر وا خواهند داشت. این بیانات ممکن است در چارچوب تفکر کتابمقدس بگنجد و یا نگنجد.)

«کتابمقدس کلام الهام شده و مصون از خطای خداست که در تمامی جنبه‌های زندگی ما اقتدار خود را حاکم می‌کند.»

«کتابمقدس توسط افرادی چون من و تو نوشته شده است. برخی از این افراد تجربه‌ای بی‌مانند با خدا داشتند. کتابمقدس، کتاب دینی بزرگی است، ولی توسط خدا دیکته نشده است.»

«کتابمقدس همانند دستورالعمل به جهت زندگی است. برای تعمیر اتومبیل خود از کتاب راهنما استفاده می‌کنم و برای برنامه‌های کامپیوتری از پرونده‌های کمکی آن. به همان نحو، برای زندگی از کتابمقدس استفاده می‌کنم.»

«هر آنچه که روزی بدان نیاز پیدا کنید، در کتابمقدس است. ما احتیاج به مشتی کتابهای دیگر به قلم انسان نداریم که علت چیزها را برایمان توضیح دهند.»

نکته: «کتابمقدس سخن خداست. آن را باور می‌کنم. در این زمینه همینقدر برایم کافی است.»
ضد نکته: «کتابمقدس سخن خداست. همینقدر کفایت می‌کند؛ چه باور بکنی، چه باور نکنی.»

«سعی کردم کتابمقدس را بخوانم، ولی توی کله‌ام فرو نمی‌رود. شاید نباید توقع درک مطالب آن را داشته باشم. چرا که عده‌ای هستند که تمامی زندگی خود را به مطالعه آن صرف کرده‌اند و با آنچه که کتابمقدس می‌گوید، مخالف‌اند.»

نمونه به جهت مطالعه

شیوا

دخترخاله شما شیوا تازگی‌ها دانشکده خود را در رشته زبان و ادبیات شروع کرده است. تابستان گذشته که او را دیدید، بسیار هیجان زده بود و می‌گفت که قرار است ترم بعد دوره‌ای در رابطه با زبان و ادبیات کتابمقدس بردارد. شیوا در خانه‌ای مسیحی بزرگ شده است و پدر و مادر او در زمان کودکی شیوا به مسیح ایمان آورده بودند و خود او هم در همان بچگی مسیح را به قلب خود راه داده بود. شیوا فکر می‌کرد که این دوره او را در درک بهتر کتابمقدس کمک خواهد کرد. با این وجود پروفیسوری که این دوره را درس می‌داد، به محض اینکه دهان خود را باز کرد، شیوا شدیدترین شوک زندگی خود را گرفت.

پروفیسور کتابمقدس را به عنوان یک کتاب دینی بزرگ قبول کرد، ولی پس از آن به گفته خود ادامه داده و خاطرنشان نمود که در آن از نظر تاریخی اشتباهات فاحشی وجود دارند، برخی از آیات باهم ضدّ و نقیض‌اند و از نظر علمی نمی‌توان روی آن حساب کرد. بعد قضیه به مراتب بدتر شد. استاد به برخی از مشکلات اخلاقی اشاره کرد که در برخی از مزامیر از خدایی که انسانها را به قتل می‌رساند، سخن می‌راند. استاد در صحبت‌های خود این مطلب را هم علاوه کرد که بسیاری از داستانها عهد عتیق عاریه گرفته از افسانه‌های ملتهایی کهن چون آکد و سومر هستند. استاد حتی مدعی بود که بخش اعظم ده‌فرمان از قوانین کهن دیگر کپی شده و از جانب خدا نیامده است! داستان نوح و سیل عظیم در روی زمین را مسخره کرد و اصرار بر آن داشت که معجزات عیسی چیزی جز افسانه نبوده‌اند و توسط برخی از تندروان مذهبی خلق شده‌اند. احتیاج به گفتن نیست. شیوا از این سخنان به خود لرزیده است. از خوابگاه دانشجویی به شما زنگ زده، چرا که یقین دارد که فقط شما می‌توانید در چنین وضعیتی او را کمک کنید. آیا می‌توانیم به کتابمقدس اطمینان کنیم و زندگی خود را بر آن بنا نماییم؟

مسعود

مسعود دو سال است که مسیحی شده و اینطور که به نظر می‌آید، به شکلی وفادارانه از عیسی پیروی می‌نماید. از آمدن به کلیسا کیف می‌کند و در گروه کوچک شما نیز شرکت دارد. مسعود در گروه انتظامات کلیسا خدمت می‌کند و اگر وقت کند در برنامه‌های بچه‌ها هم داوطلبانه کمک می‌نماید. رابطه او با همسر و بچه‌هایش بهتر از همیشه است و در طول روز زیاد دعا می‌کند. از این جهت بر این باور است که از لحاظ روحانی رشد می‌نماید.

با اینحال هرگز لای کتابمقدس خود را باز نمی‌کند. مردم را دوست دارد، ولی هیچوقت کتابخوان خوبی نبوده است. در واقع، در زمان بچگی‌هایش کتاب خواندن برایش عذابی بوده. دوره مدرسه

را به خوبی تمام کرد ولی نه با علاقه. واقعاً بر آن است که بداند به زن خود مینو چه جواب دهد. مینو دائم مثل صاعقه بر او نازل می‌شود و از او می‌خواهد که کتابمقدس را بخواند. به خود می‌گوید: «بابا، یه خورده راحتم بذار. برای او راحتی که به خواندن کتابمقدس بیشتر وقت بده، ولی من وقتشو ندارم. علاوه بر آن، مینو در جلسات خواهران هم شرکت می‌کند و با هم کتابمقدس می‌خوانند. نه اینکه ایرادی در خواندن کتابمقدس هست، نه. فقط انگاری واسه من نیست. بعلاوه، من که از شنیدن موعظه در روز یکشنبه به اندازه کافی کتابمقدس می‌شنوم و در ماشین هم که هستم، به برنامه‌های مسیحی گوش می‌دهم.»

مسعود و مینو این مطلب را با شما در سر میز شام مطرح می‌کنند. در جواب به آنها چه خواهید گفت؟

سوال و یا موضوع اصلی مطرح برای ما چیست؟

۲ تیموتائوس ۳: ۱۴ - ۴: ۴

«اما تو در آنچه آموخته و بدان ایمان آورده‌ای پایدار باش، چرا که می‌دانی آنها را از چه کسان فراگرفته‌ای، و چگونه از کودکی کتب مقدس را دانسته‌ای که می‌تواند تو را حکمت آموزد برای نجاتی که از راه ایمان به مسیح عیسی است. تمامی کتب مقدس الهام خداست و برای تعلیم و تأدیب و اصلاح و تربیت در پارسایی سودمند است، تا مرد خدا به کمال برای هر کار نیکو تجهیز گردد.»

در برابر خدا و مسیح عیسی که بر زندگان و مردگان داوری خواهد کرد، و نظر به ظهور او و پادشاهی‌اش، تو را مکلف می‌سازم که کلام را موعظه کنی و به‌گاه و به‌بیگاه آماده این کار باشی و با صبر بسیار و تعلیم دقیق، به اصلاح و توبیخ و تشویق پردازی. زیرا زمانی خواهد آمد که مردم به تعلیم صحیح گوش فرا نخواهند داد، بلکه بنا به میل خویش، معلمان بسیار گرد خود خواهند آورد تا آنچه را که گوشه‌ایشان طالب شنیدن آن است، از آنان بشنوند؛ و از گوش فرادادن به حقیقت رویگردان شده، به سوی افسانه‌ها منحرف خواهند گشت.»

پولس در انتهای خدمت خود به تیموتائوس که جانشین احتمالی اوست، این نامه را می‌نویسد. پولس تیموتائوس را تشویق می‌کند که در بطن مشکلات گوناگونی که قرار بود با آنها روبرو گردد، وفادار باشد. نصیحت او به تیموتائوس این است که علیرغم فشارهایی که جهت سازش از همه جوانب بر اوست، کماکان به کلام خدا وفادار باقی بماند. درست همانطور که کتابمقدس

تیموتائوس را هدایت کرده بود که به مسیح ایمان آورد، این کلام اینک می‌بایست بنیاد و مسیر خدمت او باشد. پولس به تیموتائوس می‌گوید که کلام خدا «نفخه خدا» است و از دهان خود خدا بیرون آمده است و به آنها اقتداری الهی می‌بخشد. از این رو هم برای هرگونه خدمت مفید است. تأکیدی که پولس در این سخن خود به تیموتائوس دارد، غیرقابل تصور است: او تیموتائوس را در حضور خدا و مسیح عیسی و در نور داوری آینده و ملکوت آتی او در روی زمین به این کار می‌گمارد. مأموریت تیموتائوس برای وعظ کلام خدا، مخصوصاً، آن هم در زمانی که بنا به سخن نبی مردم گوش فرا نخواهند داد، به همان اندازه که برای آن روز مصداق داشت، برای امروز هم دارد.

در ۲ تیموتائوس ۳: ۱۵ - ۱۶ پولس کلام خدا را چگونه توصیف می‌کند؟

چرا به نظر شما مأموریت او به تیموتائوس در ۴: ۱ - ۲ تا این حد شدید و قوی است؟

در آیات نهایی پولس طرز برخورد مردم را با کلام خدا چگونه مشخص می‌کند؟ این طرز برخورد به نظر شما خود را امروزه چطور نشان می‌دهد؟ آیا از چنین نشانه‌ای در زندگی شما هم اثری هست؟

آیات زیر را بخوانید. همانطور که هر قسمت را می‌خوانید، از خود بپرسید که اگر در مقابل کلامی که می‌خوانید، عکس‌العمل درست از خود نشان دهید، چه چیزی عاید شما خواهد شد؟ در جاهای خالی جواب خود را بنویسید.

مزمور ۱

متی ۷: ۲۴ - ۲۷

۱ تسالونیکیان ۲: ۱۳

عبرانیان ۴: ۱۲

یعقوب ۱: ۲۲ - ۲۵

دیگر منابع

«چرا کتابمقدس را مطالعه کنیم؟» اثر هاوارد و ویلیام هندریکس
فصل دوم از کتاب «زندگی بر اساس دستورالعمل»

«شادی و ارزش مطالعه بنیادی کتابمقدس» اثر کی آر تور
مقدمه کتاب «کتابمقدس خود را چگونه مطالعه کنید.»

چرا کتابمقدس را مطالعه کنیم؟

از کتاب «زندگی بر اساس دستورالعمل» به قلم هاوارد و ویلیام هندریکس

در فصل پیش به شش دلیل عمومی اشاره کردیم که چرا مردم خود در کلام خدا غوطه نمی‌خورند. بگذارید دلیل هفتم را هم به آن اضافه کنم: برای اینکه کسی به آنها هرگز نگفته که از این امر چه چیزی عایدشان خواهد شد. فواید مطالعه کتابمقدس چیست؟ در کتابمقدس برای من چه چیزی هست؟ اگر وقت خود را بدین شکل سرمایه‌گذاری کنم، چه سودی عاید خواهد شد؟ این امر در زندگی من چه تفاوتی ایجاد خواهد کرد؟

زمانی که وقت خود را روی خواندن کتابمقدس سرمایه‌گذاری می‌کنید، به نظر من سه سود عاید شما می‌گردد، سه سودی که در هیچ جای دیگر نصیب شما نخواهد شد. و صادقانه بگویم، خواندن کلام خدا امری دلخواهی نیست، بلکه ضرورتی است که در زندگی به آن نیاز داریم. بیایید به سه متن از کتابمقدس رجوع کنیم و صحبت خود را در مورد اهمیت خواندن کتابمقدس روی این سه متن قرار دهیم. همانطور که گفتم، خواندن کلام خدا امری دلخواهی نیست، بلکه ضرورتی است که در زندگی به آن نیاز داریم.

مطالعه کتابمقدس برای رشد ضروری است

اولین متن در ۱ پطرس ۲: ۲ یافت می‌شود:

«و همچون نوزادگان، مشتاق شیر خالص روحانی باشید تا به مدد آن در نجات خود نمو کنید.»

۱ پطرس ۲: ۲

جهت بیرون کشیدن حقیقتی که در این متن نهفته است، بگذارید به سه کلمه اشاره کنم. می‌توانید این سه کلمه را در حاشیه کتابمقدس خود درست در کنار این آیه بنویسید. اولین کلمه «طرز برخورد» است. پطرس در اینجا طرز برخورد یک کودک را توصیف می‌کند. درست به همان شکل که کودک به شیشه شیر می‌چسبد، شما هم به همان شیوه باید به کتابمقدس بچسبید. کودک برای ابقای زندگی جسمانی خود لازم است شیر بخورد؛ شما هم برای ابقای زندگی روحانی خود لازم دارید از کتابمقدس تغذیه کنید.

من چهار فرزند داشتم و از همان ابتدا به خوبی یاد گرفتم که کودک در هر سه یا چهار ساعت به شیر احتیاج دارد؛ و به نفعتان هست که به این مطلب بی توجه نباشید. به نفعتان هست که هر چه سریعتر شیشه شیر را آماده کرده و به کودک برسانید. به محض انجام اینکار، آرامی عظیمی برقرار خواهد شد. پطرس از این تمثیل گویا استفاده می کند و اشعار بر آن دارد که طرز برخورد ما نیز باید چنین باشد.

ولی در عین حال در مورد «اشتهای» شما به کلام خدا نیز صحبت می کند. شما باید به آن «اشتیاق» داشته باشید. شما را لازم است که با تمامی وجود شیر روحانی کلام خدا را بکنید. اگر بخواهم صادق باشم، باید بگویم که این، طرز برخورد کسی است که خود را با شیر رشد داده و از مزه آن به خوبی با خبر است. هر چند مدت یکبار فردی پیش آمده و می گوید: «می دانید استاد، من چیز زیادی از کتابمقدس دستگیرم نمی شود.» اما این سخن بیشتر از آنکه در مورد کتابمقدس بگوید، در مورد خود شخص حرف می زند.

مزمور ۱۹: ۱۰ می گوید که کلام خدا از عسل شیرینتر است، ولی اگر بخواهید بر اساس قضاوت برخی از مسیحیان تکیه کنید، آنچه را که داود می گوید، هرگز تجربه نخواهید کرد. ببینید، کتابمقدس کلا سه نوع دانش آموز دارد: نوع اول آنهایی هستند که کتابمقدس برایشان «روغن کرچک» است، بسیار تلخ! ولی برای مورد بخصوصی که مصرف می شود، فایده دارد. گروه بعدی از آن نوع هستند که کتابمقدس برایشان «کرون فلکس» صبحانه است، باعث رشد و قوت آنهاست، ولی حیف که خشک است. انگار که آدم گاه می خورد.

ولی نوع سوم هم هستند که من آنها را دوستداران «توت فرنگی با خامه» می خوانم. هرگز از آن سیر نمی شوند. اینها چگونه این اشتها را در خود پدید آوردند؟ با تغذیه مرتب از کلام خدا. آنها این اشتها را در خود توسعه داده اند، درست همانطور که پطرس می گوید، اشتهای سیری ناپذیر به جهت حقیقت روحانی. شما به کدام نوع از این گروه متعلق هستید؟

برای همه اینها هدفی هست که ما را به کلمه سوم می رساند؛ «هدف». هدف کتابمقدس چیست؟ متن فوق این را برای ما آشکار می کند: «تا به مدد آن رشد کنید.» لطفاً به یاد داشته باشید، هدف کتابمقدس این نیست که شما چیزهایی را بدانید. مطمئناً بدون دانستن نمی توانید رشد کنید. ولی در عین حال می توانید بدانید و رشد نکنید. کتابمقدس برای این نوشته نشد که کنجکاوی شما را ارضا کند. برای این نوشته شد که شما را در تبدیل به شباهت مسیح یاری نماید. نه اینکه شما را گناهکاری با معلومات نماید، بلکه شما را شبیه منجی آسمانی گرداند. نه اینکه مغز شما را با حقایق کتابمقدس پر کند، بلکه زندگی شما را تبدیل نماید.

زمانی که بچه‌های ما هنوز کوچک بودند، پشت در کمد یک نمودار رشد چسبانده بودیم. همانطور که رشد می‌کردند، دائم به ما التماس می‌نمودند که آنها را پهلوی آن نمودار بایستایم و ببینند که چقدر رشد کرده‌اند. مهم نبود که رشدشان چقدر میلیمتری است. از اینکه رشدشان را می‌دیدند، از هیجان بالا و پایین می‌پریدند. روزی وقتی دخترم را اندازه کردم، از من همان سوآلی را کرد که هیچوقت طالب آن نیستیم، مخصوصاً از جانب فرزندانمان؛ «بابا، چرا بزرگها دیگه رشد نمی‌کنند؟» چطور می‌توانستم به او توضیح دهم که ما بزرگسالان از رشد باز نمی‌ایستیم، بلکه در مسیری متفاوت رشد می‌کنیم. نمی‌دانم به او چه جوابی دادم، ولی تا به امروز خداوند هنوز از من می‌پرسد: «هندریکس، آیا به سوی پیری رشد می‌کنی، یا به سوی بالا؟»

در مورد شما چطور؟ چند سال است که مسیحی هستید؟ نه ماه؟ هفت یا هشت سال؟ سی و نه سال؟ مطلب اصلی این است که چقدر رشد کرده‌اید؟ در کنار نمودار رشد خدا بایستید، و رشد خود را اندازه بگیرید. این آن چیزی است که آیه بالا تعلیم می‌دهد. بنابراین اولین دلیل برای مطالعه کتابمقدس این است که مطالعه کتابمقدس وسیله رشد روحانی ماست. جدا از کلام خدا رشد روحانی به هیچوجه میسر نیست. کلام خدا اولین ابزار خدا در رشد و توسعه فردی شماست.

مطالعه کتابمقدس جهت بلوغ روحانی ضروری است

دومین متنی که باید به آن نگاه کنیم، عبرانیان ۵: ۱۱ - ۱۴ است:

«در این خصوص، مطالب بسیار برای گفتن داریم، اما شرح آنها دشوار است، چرا که گوشهای شما سنگین شده است. برآستی که پس از گذشت این همه وقت، خود می‌بایست معلم باشید. و با این حال نیاز دارید کسی اصول ابتدایی کلام خدا را بار دیگر از اوّل به شما بیاموزد. شما محتاج شیرید، نه غذای سنگین! هرکه شیرخوار است، با تعالیم پارسایی چندان آشنا نیست، زیرا هنوز کودک است. اما غذای سنگین از آن بالغان است که با تمرین مداوم، خود را تربیت کرده‌اند که خوب را از بد تشخیص دهند.»

در رابطه با مطالعه کلام خدا، این متن تعلیمی است. نویسنده می‌گوید که حرف زیادی برای گفتن دارد ولی «شرح آنها دشوار است.» چرا؟ آیا دشواری در رابطه با مکاشفه کلام است؟ نه، مشکل در

دریافت کننده کلام است. از نظر یادگیری دریافت کننده معلول است: «گوشه‌های شما سنگین شده است.» یعنی «دیر یاد می‌گیرید.»

کلمه کلیدی در این متن «زمان» است. در کتابمقدس خود زیر آن خط بکشید. نویسنده می‌گوید که پس از گذشت این همه وقت شما باید الآن در صندلی دانشگاه می‌نشستید، ولی حیف که باید باز به مهد کودک برگردید و الفبا را از سر نو یاد بگیرید. پس از گذشت این همه سال، شما می‌بایست حقیقت را با دیگران در میان گذارید، ولی حیف که فردی دیگر باید حقیقت را با شما در میان گذارد.

در واقع، نویسنده می‌گوید، شما احتیاج به شیر دارید نه غذای سفت. غذای سفت برای افراد بالغ است. بالغین کیستند؟ آیا آنهایی هستند که به دانشکده علم الهی می‌روند؟ اینگونه افراد که دیگر باید استاد باشند؟ چه کسی به اندازه آنها آیات بلد خواهد بود؟

نه. نویسنده می‌گوید که اگر در تشخیص خوب و بد از یکدیگر خود را با استفاده دائمی کلام خدا تمرین داده‌اید، بالغ هستید. نشانه بلوغ روحانی در قدرت درک زیاد شما نیست، بلکه در این است که از این درک چقدر استفاده می‌کنید. در حیطه روحانی، نقطه مقابل جهالت، دانش و معرفت نیست، اطاعت است.

بدین ترتیب این دومین دلیل در مطالعه کتابمقدس است. کتابمقدس ابزار الهی در رشد و بلوغ روحانی است. طریق دیگری نیست.

مطالعه کتابمقدس برای ثمربخشی روحانی ضروری است

در این رابطه دلیل سوم هم وجود دارد؛ ۲ تیموتائوس ۳: ۱۶ - ۱۷.

«تمامی کتب مقدس الهام خداست و برای تعلیم و تأدیب و اصلاح و تربیت در پارسایی سودمند است، تا مرد خدا به کمال برای هر کار نیکو تجهیز گردد.»

۲ تیموتائوس ۳: ۱۶ - ۱۷

«تمامی کتب» شامل ۲ تواریخ هم هست. روزی در جمعی این را گفتم، فردی از میان جمع گفت: «من حتی نمی‌دانستم که اولی‌اش هست، چه برسد به دومی.»

در مورد تنبیه چطور؟ اگر توانستید پیدایش کنید؟ آیا شده است یکبار قرائت روزانه شخصی خود را از این کتاب انتخاب کنید؟ زمانی که مسیح در بیابان مورد وسوسه قرار گرفت، شیطان را سه بار

با این جمله شکست داد: «نوشته شده است» و هر سه نقل قول از کتاب تشبیه بود. اغلب به این فکر می‌کنم که اگر زندگی روحانی من بر آن چیزهایی متکی می‌شد که من از کتاب تشبیه می‌دانم، چه چیزی از آب در می‌آمدم؟

پولس می‌گوید که تمامی کلام خدا سودمند است. ولی سودمند برای چه؟ او به چهار چیز اشاره می‌کند. اول، برای دکتترین و یا تعلیم. یعنی، کلام خدا تفکر شما را چارچوب خواهد داد. این امر حیاتی است، زیرا اگر به درستی فکر نمی‌کنید، به درستی هم زندگی نمی‌کنید. باورهای شما نحوه رفتار شما را تعیین خواهند کرد.

و نیز می‌گوید که کتابمقدس برای تأدیب هم سودمند است. یعنی به شما خواهد گفت که کجا هستید؛ خارج از محدوده. به شما می‌گوید که گناه چیست. به شما می‌گوید که خدا از زندگی شما چه می‌خواهد. برای زندگی شما معیار فراهم می‌کند.

سوم، برای اصلاح سودمند است. آیا شما هم کم‌دی دارید که تمامی آن چیزهایی را که دل‌دورانداختنشان را ندارید، در آنجا بگذارید؟ همه را در آن کم‌دی می‌چنانید و بعد فراموششان می‌کنید. و روزی در کم‌دی را باز می‌کنید و یکهوایی همه فرو می‌ریزند. به خود می‌گویید: «عجب شبی! بهتر است اینها را جمع و جور کنم.» کتابمقدس هم شبیه آن است. درها را در زندگی شما می‌گشاید و به شما کمک می‌کند که آن را جمع و جور کرده و از گناه پاک کنید و به همان صورت که خدا می‌خواهد، تبدیل گردید.

چهارمین سودمندی کتابمقدس در این است که جهت تربیت در داشتن زندگی صالح سودمند است. بعد از آنکه کلام خدا شما را از آن منفی‌ها تمیز می‌کند، به شما دستورالعمل‌هایی مثبت می‌دهد که در زندگی از آنها پیروی کنید.

هدف کلی از همه اینها چیست؟ در این است که شما برای انجام هر عمل نیکو مجهز شوید. آیا شده است بگویید: «کاشکی زندگی من برای عیسی مسیح بیشتر ثمربخش می‌بود؟» اگر واقعاً چنین است، برای آماده کردن خود چه کرده‌اید؟ مطالعه کتابمقدس اولین وسیله‌ای است که شما را به خادم مؤثر عیسی مسیح تبدیل می‌کند.

روزی از گروهی از بازرگانان پرسیدم: «اگر شما در رابطه با تجارتی که دارید، همانقدر می‌دانستید که در طول این سالیان که مسیحی هستید، در مورد مسیحیت می‌دانید، چه می‌شد؟» شنیدم یکی از آنها زیر لب گفت: «گونی بارم می‌کردند.»

درست می‌گفت. علت اینکه خدا نمی‌تواند بیشتر از این از شما استفاده کند، برای این است که آماده نیستید. شاید که در جلسات کلیسا به مدت پنج، ده، و یا بیست سال است که شرکت می‌کنید، ولی به هیچوجه لای کتابمقدس را به این مقصود باز نکرده باشید که خود را به عنوان

وسیله‌ای پرثمر جهت استفاده خدا آماده سازید. شما تحت اقتدار خدا بوده‌اید ولی برای شخص خودتان در آن غوطه نخورده‌اید.

حال توپ زیر پای شماست. خدا می‌خواهد که در این قرن بیست و یکم صحبت کند. او پیام خود را به صورت یک کتاب نوشت. و از شما می‌خواهد که بیایید و این کتاب را به سه دلیل بخوانید: این کلام برای رشد شما ضروری است. این کلام برای بلوغ روحانی شما ضروری است. این کلام برای تجهیز شما ضروری است تا شما را تعلیم دهد، به طوری که شما ابزاری در دسترس، تمیز و تیز در دست او باشید تا اهداف خود را جامه عمل بپوشاند.

لذا سوآلی که اکنون با آن روبرو هستید، این است: «تا کی می‌توانید بدون مطالعه کلام ادامه دهید؟»

آیا می‌توانیم به کتابمقدس اعتماد کنیم؟

نویسنده معروف «آین رند» بعد از سخنرانی خود در دانشگاه «ییل» با سوآل خبرنگاران روبرو شد. یکی از آنها پرسید: «به سر دنیای مدرن امروز چه آمده؟»

«آین» بی آنکه معطل کند در جواب به آن خبرنگار گفت: «دنیا تا به حال بدینقدر مستأصل به دنبال یافتن جواب برای سوآلات حیاتی خود نبوده. و در هیچ زمانی به اندازه امروز هم به این نتیجه نرسیده که هیچ جواب ممکن برای آن سوآلات نیست. اگر بخواهیم آیه کتابمقدس را به شکل مدرن ترجمه کنیم، منش جدید بشر این است که «پدر، ما را ببخش، زیرا که نمی‌دانیم چه می‌کنیم؛ و خواهش می‌کنیم به ما نگو!» شنیدن این سخن از دهان فردی که تفکرات ناستیکی دارد، قابل تعمق است. بسیاری از ما از خداوند سخنی می‌خواهیم، ولی کلام او را نمی‌خواهیم. اینقدر می‌دانیم که کتابمقدسی را مالک باشیم، ولی نه آنقدر که کتابمقدس ما را مالک گردد. از کتابمقدس دائم حرف می‌زنیم ولی زندگی خود را به آنچه که می‌گویید، متعهد نمی‌کنیم. در دنیایی که تنها حقیقت مطلق این است که هیچ چیزی مطلق نیست، جای اندکی برای هرگونه کلام مقتدر خدا آنطور که در کتابمقدس مکاشفه شده است، باقی می‌ماند. سوآل این است: «آیا می‌توانیم به کتابمقدس اعتماد کنیم؟ آیا کتابمقدس اعتبار دارد؟ قابل اطمینان هست؟ آیا در زندگی فعلی شما می‌تواند نقش تعیین کننده داشته باشد؟ ببینیم کتابمقدس در مورد خود چه می‌گوید:

کتابمقدس کتابی است یکپارچه

اگر موضوع پیچیده و بحث انگیزی را عمیقاً مطالعه کرده باشید، بخوبی می‌دانید که پیدا کردن دو یا سه نظری که با هم روی یکی و یا همه مطالب موافق باشند، چقدر استیصال آور است. چنین چیزی عملاً اتفاق نمی‌افتد.

در مورد کتابمقدس این مطلب صدق نمی‌کند. کتابمقدس در این مورد بی‌همتاست و تمامی اجزای آن واحدی یکپارچه را تشکیل می‌دهند. ببینید، کتابمقدس فقط یک کتاب نیست. شصت و شش کتاب است که با هم در یکجا جمع شده‌اند. این شصت و شش کتاب در طول هزار و ششصد سال توسط بیش از چهل نفر که از زمینه‌های مختلف بودند، نوشته شده است.

با اینحال کتابمقدس، واحدی است یکپارچه، که موضوع اصلی آن خدا و رابطه او با بشر است. هر یک از آیات، پاراگرافها، فصول و کتابها با هم دست به دست هم داده‌اند تا حقیقت خدا را آشکار سازند. برای همین هم جهت درک درست کتابها و بخشهای آن لازم است مطالب را با توجه به موضوع کلی آن مطالعه کرد.

کتابمقدس مکاشفه خداست

کتابمقدس خود را به عنوان کلام مکاشفه شده خدا ظاهر می‌کند. کلمه‌ای که کتابمقدس جهت «مکاشفه» به کار می‌گیرد، در واقع «پرده برداشتن» است، درست مثل اینکه پرده را کنار زنیم تا آنچه که در پشت آن است، در مقابل دید ظاهر گردد. در کتابمقدس خدا چیزهایی را آشکار کرده است، که اگر نمی‌کرد، این چیزها هیچوقت برای بشر آشکار نمی‌شد. خدا چیزهایی را آشکار کرده است حقیقت مطلق است؛ نه فرضیات. این حقیقت است که هیچوقت عوض نمی‌شود، سازش نمی‌پذیرد و یا با دیگر قسمت‌های مکاشفه شده متفاوت نمی‌نماید.

کتابمقدس توسط خدا الهام شده است

«بی.بی. وارفیلد» استاد معروف خداشناسی چنین گفته است: «کتابمقدس به چنان طریقی کلام خداست که وقتی که کتابمقدس سخن می‌گوید، انگار خدا سخن می‌گوید.» این سخن تعریف خوبی از الهام است. دلیل اینکه کتابمقدس را کلام خدا می‌خوانیم، زیرا هر آنچه که در آن آمده است، همانهایی است که خدا می‌خواست با ما در میان گذارد.

البته برخی با این مطلب مشکل دارند، زیرا این کلام توسط نویسندگان بشری به قلم کشیده شده است. اگر این کلام الهام شده است، الهام آن فقط به همان شکل بوده است که هنرمندان بزرگ جهت خلق آثار هنری بزرگشان «الهام» می‌یابند.

ولی زمانی که کتابمقدس از الهام صحبت می‌کند، چنین معنایی را در ذهن ندارد. ۲ تیموتائوس ۳: ۱۶ - ۱۷ را بخاطر دارید؟ «همه کتب الهام خداست.» کلمه‌ای که الهام ترجمه شده است از نظر لغوی به این معنی است که گویی خدا آنها را فوت کرده است و یا نفس خداست. این واژه این ایده را در خود دارد که خدا این کلام را به بیرون نفس داده است. و از آنجا که کلمه نفس کشیدن را می‌توان «روح» هم ترجمه کرد، به راحتی می‌توانیم روح‌القدس را ببینیم که چطور امر نگاشته شدن کتابمقدس را نظارت کرده است.

پس نویسندگان انسانی در این مورد چه نقشی بازی کردند؟ خدا به شکل مافوق‌طبیعه از آنها استفاده کرد که کلمات را طوری به قلم کشند که به کاملیت، صداقت، و یا پاکی کلام تمام شده خدش‌های وارد نیاید. در اینجا ما با دو مؤلف روبرو هستیم. درست چنانکه چارلز رابری می‌گوید: «خدا نویسندگان انسانی را نظارت کرد تا با بکار گرفتن شخصیت‌های انسانی خود مکاشفه او را به بشر بی‌هیچ اشتباهی در زبان اصلی آنها بنویسند و تنظیم کنند.»

پطرس جهت تصویر این مطلب لغت زیبایی را بکار برد، زمانی که گفت: «بلکه آدمیان تحت نفوذ روح‌القدس از جانب خدا سخن گفتند.» (۲ پطرس ۱: ۲۱) واژه‌ای که به فارسی «تحت نفوذ روح‌القدس» ترجمه شده است، همان کلمه‌ای است که برای کشتی‌ای که تحت قدرت وزش باد کشانیده می‌شود. استفاده می‌گردد. نویسندگان کتابمقدس در نوشته‌های خود به جایی کشیده می‌شدند که خدا می‌خواست و چیزی را تولید می‌کردند که خدا از آنها می‌خواست. بدون شک شخصیت، شیوه نگارش، دیدگاه و تمایزات آنها در کلماتشان منعکس می‌گردید. ولی روایت آنچه که این افراد می‌نوشتند از انسان نیست، بلکه کلام خداست.

آیا از پروژه‌ای به نام عیسی چیزی شنیده‌اید؟ برخی از محققین معلوم‌الحال در مورد اعتبار سخنان عیسی در چهار انجیل تردید دارند. برای همین هم هر سال جمع می‌شوند تا روی این متن‌ها با هم صحبت کنند. برای هر یک از سخنان عیسی بین خود رأی می‌گیرند که آیا مسیح این سخنان را عملاً گفته یا اینکه نویسندگان چهار انجیل آن را در دهان او گذاشته‌اند.

این رأی‌گیری می‌تواند به چهار طریق پیش رود. گروه فوق‌ممکن است به اتفاق آرا تصمیم بگیرد که آنچه که در آن متن بخصوص نوشته شده، عملاً از دهان عیسی بیرون آمده. و روی آن علامت قرمز می‌گذارند. اگر این گروه روی متنی علامت سیاه بگذارند، به این معنی است که به اتفاق آرا تصمیم گرفته‌اند که آن متن به هیچوجه از دهان عیسی بیرون نیامده است و نویسندگان اناجیل آن را در دهان او گذارده‌اند. اگر متنی رنگ صورتی به خود داشته باشد، به این معنی است که شاید عیسی آن سخنان را گفته، گرچه هنوز مورد سؤال است. رنگ خاکستری به این معنی است که عیسی احتمالاً این سخنان را بر زبان نرانده است، گرچه این امکان هم هست که گفته باشد.

هدف این عمل چیست؟ سخنگوی این گروه می‌گوید که هدف آنها از روشن کردن خلق نسبت به متون معتبر و غیر معتبر اناجیل است تا بدین ترتیب ایمان آنها را تقویت کنند. نمی‌دانم به نظر شما چگونه می‌رسد، ولی این پروژه به نظر من اگر خطرناک نباشد، مسخره که هست. چطور ممکن است که کمیته‌ای از مشکوکین دو هزار سال بعد از آن حقایق چنین احساس کنند که صلاحیت داوری روی اعتبار کلام خدا را دارند؟ حدس می‌زنم الهام برای آنها موضوع به اتفاق آرا است. ولی من الهام روح القدس را ترجیح می‌دهم. متن کتابمقدس الهام و ادراک انسان نیست بلکه محصول مافوق طبیعه خود کلام خداست.

کتابمقدس مصون از خطاست

کتابمقدس برای اینکه معتبر باشد، باید درست باشد، یعنی بدون هرگونه اشتباه. چنانکه یکی هم در این باره گفته است: «یا کتابمقدس به کلی عاری از هرگونه خطاست و یا به کلی عاری از خطا نیست.» در این باره حد وسط وجود ندارد. «کتابمقدسی که قسمتی از آن عاری از خطاست، کتابمقدسی است که در واقع خطا در آن وجود دارد.

«مصون از خطا» یعنی بدون هرگونه اشتباه. یعنی اینکه در آن نسخه اصلی هیچگونه اشتباه و خطایی وجود ندارد؛ در هیچ جای آن. این مفهوم برای هضم نسل ما بسیار سنگین است. ما تمایل به این داریم که در هر چیز نسبی گرا باشیم، کسی که برای او هیچ حقیقتی نمی‌تواند به شکل مطلق باشد. بعلاوه، فرهنگ ما، ما را چنان بار آورده که گمان کنیم علم امروز از کتابمقدس فرسنگها جلو افتاده.

واقعیت آن است که کتابمقدس در مقابل آزمایشات علم کماکان محکم و استوار ایستاده است. به راستی که بسیاری از عالمین و دانشمندان امروز بر آن هستند که در نور اکتشافات تازه، کتابمقدس را باز مورد بررسی قرار دهند.

باور این مطلب که کتابمقدس مصون از خطاست، به این معنی نیست که ما تمامی عبارات آن را به شکل خشک لغوی به مغز خود فرو می‌کنیم. همانطور که خود نیز دیده‌ایم، کتابمقدس در بسیاری از جاها به شکل مجازی سخن می‌گوید. بعلاوه، قبول می‌کنیم که در طول زمان در انتقال و نسخه برداری امکان اشتباه وجود دارد.

با این وجود کتابمقدس بر مصون از خطا بودن خود اشعار دارد. شاهد پر قدرت این امر خود خداوند عیسی مسیح است. در متی ۴: ۱ - ۱۱ تأکید بر آن دارد که کلام خدا کلمه به کلمه قابل اعتماد است. در متی ۵: ۱۷ و ۱۸ قابل اعتماد بودن کلام خدا را حتی به حروف آن هم شامل می‌گرداند.

در سراسر اناجیل، عیسی به قسمتهایی از کلام خدا که امروزه از سوی بعضیها زیر سؤال است، مستقیماً اشاره کرد و هیچ اشاره‌ای نیست که در مورد صحت، اعتبار، و درستی آنها شک کنیم. (فقط در خود متی می‌توان به ۸: ۴، ۱۰: ۱۵، ۱۲: ۱۷ و ۴۰، ۱۹: ۳-۵، و ۲۴: ۳۸-۳۹ مراجعه کرد.)

مصون از خطا بودن یعنی اینکه ما کتابمقدسی کاملاً مصون از خطا داریم، کاملاً معتبر و بدون هیچ اشتباه در نسخه اصلی. همانطور که آن را مطالعه می‌کنیم، می‌توانیم انتظار داشته باشیم که به سوالات اساسی خود جواب بیاوریم.

شادی و ارزش مطالعه عمیق کتابمقدس

از کتاب «کتابمقدس خود را مطالعه کنید» به قلم کی آرتور

کتابمقدس به این جهت نوشته شد تا هر کسی که طالب شناخت خدا باشد و بخواهد که زندگی خود را مطابق خواست او بسر برد، بتواند آن را بخواند و بفهمد.

خدا می‌خواهد که ما را با خود در یک رابطه صمیمی قرار دهد. می‌خواهد برای ما پدر باشد. با اینحال خدا برای داشتن چنین رابطه‌ای باید با ما صحبت کند. در عین حال می‌خواهد که ما از برکات اطاعت از کلام او بهره‌مند شویم و نتایج عدم اطاعت از او را در زندگی خود بدانیم. او می‌خواهد که ما را از حقیقت زندگی آگاه کند و آنچه را که در آینده قرار است روی دهد، بر ما آشکار سازد.

کتابمقدس هر آنچه را که در مورد زندگی باید بدانیم، به ما می‌گوید. و برای همین هم هست که دوست عزیز من، شما احتیاج دارید که خودتان کتابمقدس را مطالعه کنید.

برای مطالعه کتابمقدس طرق زیادی وجود دارند و کتابهای مفیدی هم هست که شما را در خواندن برخی از کتابهای آن کمک کند. ولی مهمترین چیزی که احتیاج دارید، این است که برای درک مطالب کتابمقدس خودتان باید آن را به طریقی مطالعه کنید که شما را در کشف آنچه که می‌گوید، کمک کند. تا بدین ترتیب بفهمید که مقصود از آن چیست و چگونه می‌توانید آن را در زندگی خود بکار گیرید. و بهترین شیوه این کار این است که آن را به شکل قیاسی مطالعه کنید. این نوع مطالعه به شما نمی‌گوید که انجیل چه معنی دارد و یا چه چیزهایی را باید باور کنید. بلکه در مطالعه کتابمقدس شیوه‌ای به شما می‌آموزد که می‌توانید آن را در زمان خواندن هر قسمت از کتابمقدس در هر زمان که بخواهید، بکار گیرید.

تنها چیزی که این نوع یادگیری طلب می‌کند، تمایل شماست در اینکه سرعت را قدری بکاهید و واقعاً به آنچه که کتابمقدس می‌گوید، دقت کنید. این امر ممکن است به نظر زیاد هم سخت نیاید، ولی با توجه به وقتی که داریم، شاید مشکلترین قسمت کل این فرایند است. و اگر بخواهم با شما دوست عزیز روراست باشم، مگر خود شما هم برخی اوقات به این نتیجه نرسیده‌اید که مشغولیات ما، حتی مشغولیاتی که جهت خدمت به خدا داریم، اغلب ما را مانع می‌شوند که نتوانیم همان کسی که خدا می‌خواهد باشیم؟

جهت یافتن اطلاعات در مورد کتابمقدس، مطالعه قیاسی کتابمقدس از خود کتابمقدس به عنوان منبع اصلی استفاده می‌کند. در مطالعه قیاسی کتابمقدس خود شما شخصاً کتابمقدس را برای خود کشف می‌کنید و کاری به یافته‌هایی که دیگر محققین در مطالعه کلام خدا رسیده‌اند، ندارید. گرچه

زحمت آنها با ارزش است، ولی تجربه بارها نشان داده است که مردم زمانی که خود در چرخه کشف کلام دخیل هستند، هم بهتر یاد می‌گیرند و هم بهتر به یاد می‌سپارند. در این مطالعه به کتابهای تفسیر، دیگر کتابها، نوارها، و دیگر منابع اطلاعاتی زمانی رجوع می‌شود که شما خود مطالعه کلام خدا را به پایان رسانیده و برای خود نتیجه‌گیری کرده‌اید. بدین شکل اینگونه وسایل کمکی در درک بیشتر کلام شما را به مراتب بهتر کمک خواهند کرد. نمی‌دانم در مدرسه درس زیست شناسی داشته‌اید یا نه. مسلماً در حین این درس قورباغه را مورد مطالعه قرار داده‌اید و مقداری از آن احتمالاً از طریق مشاهده بوده است. برای مطالعه قورباغه شما اول به کنار رودخانه‌ای که قورباغه‌ها در آن زندگی می‌کنند، می‌روید. تخم‌گذاری‌های آنها را می‌بینید و اینکه چطور از تخم بیرون می‌آیند. بعد از مشاهده قورباغه‌های نوزاد و اینکه در مقابل این حیات جدید از خود چه عکس‌العملی نشان می‌دهند، یکی از آنها را می‌گیرید و دقیقتر مورد مطالعه قرار می‌دهید. در نهایت آن را به آزمایشگاه برده، کالبد شکافی می‌کنید تا ببینید که در داخل او چه خبر است. پس از آن نتایج دیگر زیست‌شناسان را در مورد قورباغه مطالعه می‌کنید تا دست‌آوردهای خود را با مال آنها مقایسه کنید.

مطالعه قیاسی کتابمقدس همان چرخه را دارد: شما اول با خود کتابمقدس شروع می‌کنید، آن را در محیط خود مورد مشاهده قرار می‌دهید، و سپس آن را به گوشه‌ای می‌برید تا خود به شخصه آن را بفهمید. سپس، بعد از کشف تمامی آنچه که به نیروی خود می‌توانستید بدست آورید، مشاهدات خود را با آنچه که دیگر مردان و زنان خدادوست در طول اعصار نوشته‌اند، مقایسه می‌کنید. البته که نشستن و خواندن یک کتاب در مورد قورباغه‌ها به مراتب راحتتر است و آدم را به آن همه دردسر نمی‌اندازد. ولی آنچه که بدین ترتیب دستگیرتان می‌شود، به قول خودمان «دست دوم» است. می‌توانید از آنچه که دیگران در رابطه با قورباغه گفته‌اند، اطلاع حاصل کنید و برایتان ممکن است جالب باشد و امید داشته باشید که حقیقت هم داشته باشند. ولی با این شیوه خود شخصاً به هیچوجه با قورباغه سروکار نداشته‌اید.

مطالعه قیاسی کتابمقدس شما را به شکل شخصی با کلام خدا و در نتیجه با خدای این کلام مرتبط می‌کند، بطوری که باورهای شما بر اساس درک و الهام معتبر خود کلام است؛ حقیقتی که اگر با آن زندگی کنید، شما را عوض می‌کند.

اگر به شکل قیاسی مطالعه کنید، فواید این مطالعه بیش از تصور شما خواهد بود و آنچه را که از کلام خدا درک خواهید کرد، به مراتب بالاتر از آن چیزی خواهد بود که امید داشتید. در نتیجه مطالعه قیاسی کتابمقدس که در اینجا به شما پیشنهاد می‌شود، شما:

تجهیز خواهید شد که کلام خدا را برای خود مطالعه کنید

از هر گونه اتکا و وابستگی به تفسیر دیگران بی‌نیاز خواهید شد. دانش خود را در رابطه با خدا و طرق او افزایش خواهید داد. در ایمان شخصی خود به شکل بخصوصی تقویت خواهید شد. در زندگی روزانه خود اقتدار کلام مصون از خطای خدا را خواهید پذیرفت. و به شکل فزاینده‌ای آگاه خواهید بود که در مسیح بودن یعنی چه.

با اصول بنیادین شروع کنیم

مطالعه قیاسی کتابمقدس سه قسمت مجزا دارد که به هر کدام از آنها به شکل مجزا نگاه خواهیم کرد، ولی این سه قسمت در عمل دائم در هم تداخل می‌کنند. این سه قسمت عبارتند از: مشاهده، تفسیر، و کاربرد.

مشاهده - کشف آنچه که می‌گوید

مشاهده به این سؤال پاسخ می‌گوید: متن چه می‌گوید؟ برای اینکه بتوانید کلام خدا را به صحت تفسیر کرده و آن را به کار بندید، لازم است که پایه را درست بگذارید. آیا شده است، کتابی از کتابمقدس و یا فصل و بخشی از آن را خوانده باشید، و بعد از پنج دقیقه یادتان نباشد که چه خوانده‌اید؟ بسیاری از مواقع ما کلام خدا را با چشمان خود می‌خوانیم، نه با فکر و ذهن خود. برای این مطلب چند دلیل وجود دارند:

- فکر می‌کنیم که کلام خدا بدون اینکه از طرف ما تلاشی صورت پذیرد، در ما کاری سحرآمیز انجام خواهد داد. یا
- واقعاً باور نمی‌کنیم که قادر به درک آنچه که خوانده‌ایم، هستیم. یا
- منتظر هستیم که شبان‌کلیسا در رابطه با آن متن تعلیم دهد و بدان شکل آگاه خواهیم بود که چه چیزی را باور کنیم.

با این وجود ما اغلب آنچه را که خوانده‌ایم از این جهت فراموش می‌کنیم، زیرا که نمی‌دانیم در متن دنبال چه بگردیم. بنابراین، در قسمت اول این کتاب همین مطلب به شما تعلیم داده می‌شود؛ زمانی که کتابمقدس خود را می‌خوانید، در آن دنبال چه بگردید. از آنجا که مشاهده، کشف آن چیزی است که متن می‌گوید، اینکار مستلزم زمان و تمرین می‌باشد. کشف خواهید کرد که هر چقدر بیشتر بخوانید و با کتابمقدس بیشتر آشنا باشید، حقایق آن بیشتر

بر شما آشکار خواهد شد. از عمق و عظمت غنای روحانی آن، حتی در کوچکترین بخش آن متحیر خواهید شد. و اینکه شما خود به تنهایی به آن دست یافته‌اید! خواهید دانست که می‌دانید.

تفسیر - کشف معنی و مقصود

تفسیر به این سؤال پاسخ می‌گوید: منظور و مقصود متن چیست؟ و البته که پایه و بنیاد به جهت تفسیر صحیح همان مشاهده دقیق است. تفسیر، روند کشف آن چیزی است که متن مقصود دارد. زمانی که متن را به دقت مورد مشاهده قرار می‌دهید، معنی و مقصود آن آشکار می‌شود. لیکن اگر بدون برقراری پایه‌های مشاهده دقیق، بخواهید عجولانه دست به تفسیر بزنید، فهم شما از متن تحت تأثیر پیشفرض‌هایتان قرار خواهند گرفت؛ اینکه شما چه فکر می‌کنید، شما چه احساس می‌کنید، و یا دیگران چه می‌گویند، تا اینکه کلام خدا چه می‌گوید.

تفسیر ضرورتاً گامی جدا از مشاهده نیست. زیرا که اغلب، همان لحظه که به دقت به مشاهده متن همت می‌گمارید، معنی آن برایتان واضح و آشکار می‌گردد. بدین ترتیب تفسیر از مشاهده ناشی می‌شود.

با اینحال تفسیر می‌تواند اعمال و گامهای جداگانه‌ای را شامل گردد که به مراتب خارج از حیطه مشاهده است. یکی از این تمرینات این است که به دنبال آن مطلب در جاهای دیگر کتابمقدس هم بگردیم. قبل از هر چیز، باید اجازه دهیم که خود کتابمقدس، خود را تفسیر کند. می‌توانید از منابع دیگر نیز کمک بگیرید، منابعی چون کتابهای تفاسیر، قاموس کتابمقدس و یا دیگر کتابهای کمکی که شما را در درک زمینه تاریخی و فرهنگی متن کمک کنند.

در اینجا اصول تفسیر کلام خدا را به شما عرضه می‌کنیم و بدین ترتیب یاد می‌گیرید که در متنهای مختلف کتابمقدس، متنهایی چون مثلها و کنایات و اصطلاحات چگونه عمل کنید. به شما مطالعه روی کلمه را هم یاد خواهیم داد. هم هیجان‌آور خواهد بود و هم روشنگر.

کاربرد - کشف اینکه چگونه کاربرد دارد

کاربرد به این سؤال جواب می‌دهد: معنی این متن به زندگی من چگونه مربوط می‌شود؟ معمولاً اولین چیزی که در موقع خواندن کتابمقدس می‌خواهیم بدانیم، ولی کاربرد صحیح با باور شروع می‌گردد که خود به بودن و عمل کردن منتهی می‌گردد. زمانی که از آنچه که متن می‌گوید، با خبر هستید، نه فقط این مسئولیت را دارید که آن را در زندگی خود به عمل کشید، بلکه اگر نکنید، مورد بازخواست خواهید بود! بنابراین هدف مطالعه شخصی کتابمقدس در نهایت این است که زندگی ما را تبدیل کند و رابطه‌ای عمیق و مانا با عیسی مسیح بوجود آورد.

کاربرد کلام، قدم سوم در روند مطالعه قیاسی کتابمقدس نیست. این امر زمانی جامه عمل می‌پوشد که شما با حقیقت روبرو می‌شوید و تصمیم می‌گیرید که از آن اطاعت کنید. پایه برای کاربرد در ۲ تیموتائوس ۳: ۱۶ - ۱۷ می‌باشد:

«تمامی کتب مقدس الهام خداست و برای تعلیم و تادیب و اصلاح و تربیت در پارسایی سودمند است، تا مرد خدا به کمال برای هر کار نیکو تجهیز گردد.»

زمانی که می‌دانید خدا چه می‌گوید، چه منظور دارد، و چطور این حقیقت را در زندگی به عمل کشید، برای هرگونه شرایط در زندگی مجهز خواهید بود. تجهیز به جهت هر کار نیکو در زندگی، تجهیز کامل جهت دست و پنجه نرم کردن با هر شرایط دشوار زندگی به طریقی که خدا را عزت می‌بخشد، نه فقط امری ممکن است، بلکه اراده خدا هم هست. و این آن چیزی است که یاد می‌گیرید، البته اگر از اصول مطالعه تبعیت کنید. می‌توانیم صدها داستان از اشخاصی برایتان تعریف کنیم که چطور با دانستن کلام خدا بدین شیوه باعث شدند که خدا در زندگیشان کارهای عظیم صورت دهد. اگر بگوییم، مسلماً قلب شما را از هیجان پر خواهد کرد. ولی هدف ما الآن بیان داستانها نیست، یاد دادن شماست که چطور به شکل قیاسی کتابمقدس را مطالعه کنید. پس از آن شما خود می‌توانید داستان خودتان را تعریف کنید. و مسلماً از شنیدنش کیف خواهیم کرد.

مشاهده، تفسیر، و کاربرد چطور به یکدیگر مربوط می‌شوند

تفسیر دقیق و کاربرد صحیح به درستی مشاهده شما متکی است. از این رو ضروری است که مهارت‌های مربوط به مشاهده را توسعه دهید، حتی اگر در آغاز به نظر اتلاف وقت آید و یا برای انجام آن خود را کافی نبینید. مطالعه قیاسی کتابمقدس یک روند آموزشی است و یکشبه اتفاق نمی‌افتد. این امر تنها با تمرین و انجام امکان دارد تا به آنجا که این انجام تبدیل به عادت شود و چه عادت عالی‌ای هم خواهد بود.

در انجام روند این مطالعه برخی اوقات خواهید دید که مشاهده و تفسیر و کاربرد با هم در یک زمان اتفاق می‌افتند. خدا در هر مرحله از مطالعه می‌تواند به شما بصیرت دهد، از این جهت هم به هدایت او حساس باشید. زمانی که متنی و یا کلمه‌ای برای شما باز می‌شود، برای لحظاتی دست از مطالعه بردارید و روی آنچه که خدا به شما نشان داده است، فکر کنید. آنچه را که خدا به شما نشان داده است با زندگی خود مقایسه کنید.

زمانی که می‌دانید خدا چه می‌گوید، چه مقصود دارد، و چطور حقایق او را باید به عمل گذاشت، برای هرگونه شرایط زندگی مجهز خواهید شد.

از طریق مطالعه کلام خدا، تحت هدایت روح القدس در زندگی لنگری خواهید انداخت که شما را در طوفانهای زندگی محکم و استوار نگه دارد. خدای خود را خواهید شناخت. و زمانی که خدای خود را می‌شناسید، نه فقط قدرت پیدا می‌کنید بلکه خیلی چیزها را نیز به چنگ خواهید آورد. (دانیال ۱۱: ۳۲)

شکل بفشی به پاسخ

- ۱- اقتدار و اعتبار کتابمقدس را توصیف کنید. کتابمقدس به چه شکل با دیگر کتابها فرق دارد؟
 - ۲- مطالعه کتابمقدس و مطابق آن زندگی کردن دو چیز مختلف‌اند، خصوصاً هم در محیطی که داشتن زندگی خداپسند را تشویق نمی‌کند. در کدام حیطه از زندگی خود مشکل می‌بینید که از کلام خدا پیروی کنید؟
 - ۳- بسیاری از ما می‌دانیم که به مطالعه کلام خدا احتیاج داریم. تعداد آن افرادی که از شیوه عمل خود در این زمینه راضی باشند، بسیار کم است. برای خود در این رابطه طرحی بریزید که عملی باشد. در رابطه با کی، کجا، چطور، چقدر، و چه فکر کنید. برخی‌ها این ایده‌ها را مفید می‌دانند:
- | | |
|----------------------------------|--|
| داشتهن برنامه منظم | پیدا کردن زمان و مکان بخصوص برای اینکار |
| استفاده از کتابمقدس بصورت کاست | استفاده از برنامه‌های کامپیوتری کتابمقدس |
| استفاده از کتابچه‌های نور روزانه | استفاده از نوارهای سرود |

بحث موضوع

- ۱- چگونه می‌توانیم با خدا که قادر به دیدن او نیستیم، رابطه‌ای صمیمی بوجود آوریم؟
- ۲- زمان دادن به مطالعه کتابمقدس چگونه می‌تواند ما ایمانداران را تقویت کند و رشد روحانی ما را افزایش دهد؟
- ۳- چرا برخورد درست با کتابمقدس اینقدر مهم است؟ طرق اشتباهی که مردم معمولاً بدانها کتابمقدس را به غلط استفاده می‌کنند و یا بدرستی بکار نمی‌گیرند، کدامند؟
- ۴- با توجه به آنچه که در این موضوع مطالعه کرده‌اید، چه اصولی یاد گرفتید که به شما در مطالعه پرثمر کتابمقدس کمک می‌کنند؟

۵- در متن کلیدی، ۲ تیموتائوس ۳: ۱۴ - ۴: ۴، پولس تیموتائوس را تشویق می‌کند که زندگی و تعالیم خود را روی حقایق کلام خدا قرار دهد و از مخالفت دیگران ابایی نداشته باشد. آیا شما هم تحت چنین فشارهایی قرار داشته‌اید؟ در کدام حیطة از زندگیتان اطاعت از کلام خدا به نظرتان سخت می‌رسد؟

۶- گاهی می‌شود که از وضعیت خودمان در رابطه با خواندن کلام خدا رضایت نداریم. چه چیزی شما را مانع می‌شود که کلام خدا را مطالعه نکنید؟ تصمیم دارید در این مورد اولویتها و شیوه زندگی خود را چگونه عوض کنید تا بتوانید با کلام خدا بیشتر وقت بگذرانید؟

گامهایی به جهت اطاعت

۱- مباحثی که در این موضوع مطرح شد، طرز فکر و باور شما را چگونه عوض کرد؟ در زیر آن را به خلاصه بنویسید.

۲- تصمیم دارید این امر را چگونه در زندگی خود بکار گیرید (کی، چه کسی، کجا، و غیره)؟

۳- خود را متعهد کنید: در رابطه با موضوع اهدافی را مشخص کرده، آن را با دیگر افراد گروه و یا سرگروه در میان گذارید.

به کمک خدا، من: